

مثال

- آنی حَجَزَتْ فندق زین
- إِنْتِ شَرَبَتْ چای ویّه هَوایه شِکَر
- إِنْتِی گتیلهم لو لا؟
- شُوکِتْ غَیْرَتْ بیتَهه؟
- هُمَّ إْتَفَقُو ویّه لَاح
- من یک هتل خوب رزو کردم
- تو چای با شکر فراوان خوردی
- تو گفتی بهشون یا نه؟
- کی خونه اش رو عوض کرد؟
- اونها با هم توافق کردند

ماضی منفی

برای منفی کردن فعل ماضی «ما» بر سر فعل می گذاریم.

ما + فعل ماضی

مَرِحَتْ (نرفتم) / مَشَفَتِي (ندیدی) / مَسَمَع (نشنید) / مَحْجِيتُو (حرف نزدید)

- مَكْدَرَتْ ثَرُوح ویاهم چان عِدَهه شُغْل
- مَشَفْتَه و ما آرید اَشُوقَه
- مَكَالولَنَه و راحو للسفر
- نتونست باهاشون بره، کار داشت
- ندیدمش و نمی خوام ببینمش
- نگفتند به ما و به سفر رفتند

نکته

وقتی ضمایر متصل به فعل «گال / یگول» اضافه می شوند، فعل مختصرتر تلفظ می شود.

- گِلْت لَكُم گِتْلُكُم
- اُگول لَك اُگولُك
- گال لي گَلِي
- گالولي گَلُولِي
- گلتی لهه گتیلَهه
- تگولین لي تگولیلِي
- گفتم بهتون
- میگم بهت
- گفت بهم
- گفتند بهم
- گفتی بهش
- میگی بهم